

طرح مسأله سبک زندگی اسلامی

مسأله اول

سال‌ها از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. به نظر می‌رسد آنچه از انقلاب توقع می‌رفته واقع نشده و آنچه واقع شده مطلوب انقلاب و انقلابیون نبوده است.

دست‌یابی به فرض اول

آیا هدف از این تحوّل، تغییر در «رفتار اجتماعی»؛ اعمّ از رفتار حاکمیت و رفتار آحاد مردم در جامعه بوده است؟

دست‌یابی به فرض دوم

آیا تحوّل مطلوب، آنچه از انقلاب اسلامی توقع می‌رفت، محقق شده و به ثمر نهشته است؟

دست‌یابی به فرض سوّم

احتمال اول

اگر نتیجه حاصل شده؛ چرا آثار آن در جامعه مشاهده نمی‌شود؟ چرا رهبری پیوسته تأکید بر تحوّل در سبک زندگی و فرهنگ اجتماعی دارند؟

احتمال دوم

اگر نتیجه حاصل نشده؛ دلیل چه بوده است؟

سؤال اول

به چه دلیل پس از گذشت سی سال از انقلاب همچنان رفتار اجتماعی اسلامی محقق نشده است؟

پاسخ احتمالی نخست

آیا افراد مسئول در این افزون بر سی سال خائن به اسلام و مغرض بوده‌اند؟

پاسخ احتمالی دوم

آیا افراد مسئول علاقه‌مند به اسلام بوده، ولی شایستگی و صلاحیت تصدی نداشته‌اند؟

پاسخ احتمالی سوّم

آیا افراد مسئول علاقه‌مند و شایسته بوده‌اند، لکن نرم‌افزار اداره نظام تغییر نکرده و همچنان غیراسلامی بوده، اسباب عدم تحوّل در فرهنگ نظام را فراهم نموده است؟

سوال دوم

بر فرض پاسخ اول

چرا و چگونه پس از انقلاب، با وجود رهبری امام(ره) و مقام معظم رهبری(حفظه الله) همچنان خائنین به اسلام بر دولت و مجلس و سایر مسندهای حاکمیت تکیه زده‌اند؟

کنکاش گریزگاه

آیا راهی وجود دارد بتوان جلوی تصدیگری خائنین به اسلام و مغرضین را گرفت؟ آن را چیست؟

بر فرض پاسخ دوم

چه دلایلی وجود دارد که افراد غیرشایسته متصدی حاکمیت نظام شده‌اند؟ آیا کوتاهی از مردم و تشخیص آن‌ها در انتخاب بوده است؟

کنکاش گریزگاه

آیا راهی وجود دارد که بتوان شایستگان را بر مسند نشانند؟ آیا امکان دارد مردم در انتخابات فریفته نشوند و صحیح انتخاب نمایند؟ آیا ایراد از ساختار نظام انتخاباتی است یا از ناآگاهی مردم؟

بر فرض پاسخ سوم

چرا با وجود این همه نهاد پژوهشی و مطالعات اسلامی، همچنان نرم‌افزار اداره نظام اسلامی تولید نشده است؟ کاستی و کوتاهی متوجه چیست؟

کنکاش گریزگاه

آیا تحوّل نرم‌افزار اداره نظام و شیوه و سبک مدیریت نیازمند مدیریت جدید معتقد به تحوّل است؟ آیا این به دور باطل نمی‌انجامد؟ محافظه‌کاری مسئولان مانع تحوّل می‌شود و عدم تحوّل سبب عدم تولید نرم‌افزار جدید و بدون نرم‌افزار جدیدی برای اداره نظام، همان کاستی‌های گذشته ادامه می‌یابد؟ آیا راهی وجود دارد بتوان شیوه اداره نظام را تغییر داد، به نحوی که اسلامی باشد و سازگار با اهداف انقلاب اسلامی؟

مسأله دوم

سبک زندگی مردم چگونه شکل می‌گیرد و از کجا می‌آید؟ که بدانیم چگونه می‌توانیم آن را تغییر دهیم؟

دست‌یابی به فرض اول

آیا مردم در افعال خود اختیار دارند و مجبور نیستند، لذا هر طور که میل و علاقه‌شان باشد رفتار می‌کنند؟ یا مجبورند و بی‌اختیار از نظام اجتماعی تبعیت می‌نمایند؟

دست‌یابی به فرض دوم

آیا میل و علاقه مردم در دست خودشان است، یا این میل و علاقه از ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؟

دست‌یابی به فرض سوم

آیا مردم نسبت به تشویق‌ها و توبیخ‌های اجتماعی واکنش مثبت نشان می‌دهند و سعی می‌کنند برای این که تحقیر

نشوند، مطابق سلايق اجتماعی و فرهنگی و عرفی عمل نمایند؟ یا طبیعت آنها بر مقابله و مقاومت با عرف جامعه شکل گرفته و مستقل از نظر مردم دیگر عمل می‌نمایند؟

دست‌یابی به فرض چهارم

آیا تشویق‌ها و تویخ‌ها، تحقیرها و تجلیل‌های اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی هر جامعه و هر عرفی است، یا تابع خواست و اراده حاکمان جامعه؟

دست‌یابی به فرض پنجم

احتمال اول

آیا گروه‌های مرجع هستند که رفتارشان الگو شده و ارزش‌های فرهنگی را تغییر داده، بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارد؟

احتمال دوم

یا بالارفتن آگاهی‌های مردم از طریق آموزش‌های منظم سبب تغییر رفتار آنها و تغییر ارزش‌های فرهنگی شده و سبک زندگی را متحول می‌کند؟

سؤال اول

چرا سبک زندگی مردم ایران در سال‌های اخیر مسیری متفاوت از انقلاب اسلامی پیش گرفته است؟

پاسخ احتمالی نخست

آیا آگاهی‌های کافی و اطلاعات مورد نیاز برای تشخیص صحیح از سقیم به آنها داده نشده است؟

پاسخ احتمالی دوم

آیا گروه‌های مرجع، آنان که مردم رفتارشان را از ایشان می‌گیرند، صحیح رفتار نکرده‌اند و سبک زندگی‌شان با ارزش‌های انقلاب ناهماهنگ بوده است؟

پاسخ احتمالی سوم

آیا اشتباهات رفتاری و عملکردی گروه‌های مرجع انقلاب، سبب کاهش اعتبار اجتماعی و عرفی آنان شده و مردم الگوهای خود را تغییر داده، مرجعیت رفتاری از گروه‌های شاخص انقلابی به گروه‌های غیرهماهنگ با ارزش‌های انقلاب منتقل گشته است؟

سؤال دوم

بر فرض پاسخ اول

چه فرد یا نهادی مسئول آگاه‌سازی مردم است؟ به چه دلیل آگاهی‌های کافی ارائه نشده است؟

کنکاش گریزگاه

به چه طریق، با چه ابزارهایی، توسط چه افراد یا گروه‌هایی باید دانایی و آگاهی مردم را ارتقاء بخشید؟ چه نهادهای آموزشی یا رسانه‌ای در این کار دخیل هستند؟



بر فرض پاسخ دوم

ریشه رفتار گروه‌های مرجع چیست؟ آنان الگوهای رفتاری خویش را از کجا می‌آورند؟ این گروه‌ها را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟

کنکاش گریزگاه

چگونه می‌توان رفتار گروه‌های مرجع را تغییر داد، تا سبک زندگی افراد جامعه تغییر نماید؟

بر فرض پاسخ سوّم

چه اشتباهاتی سبب بی‌اعتباری گروه‌های مرجع انقلابی و تغییر مرجعیت در سبک زندگی به گروه‌های غیرموجّه شده است؟ جنس این اشتباهات «سیاسی» است؟ یا ناشی از «بی‌عدالتی‌های اقتصادی» است؟

کنکاش گریزگاه

چگونه می‌توان مرجعیت در سبک زندگی را به گروه‌های موجّه باز گرداند؟ و به چه ترتیبی می‌توان مانع بی‌اعتباری این گروه‌ها گردید؟

مسأله سوّم

تکلیف ما چیست؟

دست‌یابی به فرض اول

آیا رسیدن به پاسخ نظری برای مسائل پیش‌گفته نیازمند مطالعات مبانی نظری اسلامی است؟

دست‌یابی به فرض دوم

آیا چنین مطالعاتی تا کنون انجام شده و به سرانجام رسیده است؟ آیا دست‌آورد آماده نظری‌ای وجود دارد که به پرسش‌های مبنایی ما در سبک زندگی اسلامی پاسخ گوید؟

دست‌یابی به فرض سوّم

آیا رسیدن به گریزگاه عملی برای حل مشکلات فعلی رفتار اجتماعی جامعه ایرانی نیازمند بررسی میدانی واقعیت‌های رفتاری جامعه است؟ یا بی‌نیاز از آن می‌توان به راه‌حل رسید؟

دست‌یابی به فرض چهارم

اگر یافتن گریزگاه عملی نیازمند پیمایش و تحقیقات میدانی است، آیا چنین پژوهش‌هایی تا به حال انجام شده و نتیجه روشن، قابل اعتماد و راهگشایی در دست است؟

سؤال اول

بر فرض وجود مبانی نظری و راهکارهای عملی، اکنون چگونه می‌توانیم دست به کار شده و سبک زندگی را متحول نماییم؟

سؤال دوم

آیا در صورت فقدان مبانی نظری متقن و راهکارهای عملی قابل اعتماد، می‌توانیم مسیری موقتی را در پیش گرفته

و برای تحوّل سبک زندگی اقدام نماییم؟

سؤال سوّم

اگر بدون مبانی نظری و راهکارهای عملی نمی‌توانیم دست به کار شویم، آیا باید منتظر بمانیم تا نهادهای متولی این مواد اولیه را تدارک نمایند، یا باید خود نسبت به پژوهش و تولید آنها اقدام کنیم؟

گمان ما

ما گمان می‌کنیم؛

- ا. انسان بماهو انسان نیازهایی دارد که دو ساحت دنیا و آخرت او را پوشش می‌دهد.
- ب. او برای رفع این نیازها به عملکردهایی فردی و اجتماعی مبادرت می‌ورزد.
- ج. بعضی از این عملکردها را شارع و بعضی دیگر را گروهی از افراد توانمند جامعه ابداع نموده‌اند.
- د. این عملکردها در کنار یکدیگر، سبک زندگی انسان را تشکیل می‌دهند.
- ه. آن گروه که نخبگان یا خواصّ نامیده می‌شوند، به دلیل «موفقیت» مورد تبعیّت قرار می‌گیرند.
- و. هر انسان از فردی تبعیّت می‌کند که «کمالی» را در وی مشاهده می‌نماید که در خود نمی‌بیند.
- ز. موفقیت‌ها در ساحت دنیا و آخرت، شاخص وجود کمال در فرد خاصّ است.
- ح. هر انسان بر اساس نظام ارزشی خود «کمال» و «نقص» را معنا می‌نماید.
- ط. برای تغییر سبک زندگی مردم؛
 ۱. یا خواصّ و گروه‌های مرجع باید سبک زندگی خود را تغییر دهند.
 ۲. یا گروه‌های مرجع جدیدی جایگزین گروه‌های فعلی شوند.
- ی. دستورالعمل سبک زندگی گروه‌های مرجع را باید به نحوی استخراج نمود که:
 ۱. پاسخگوی تمامی نیازهای انسان باشد؛ دنیا و آخرت.
 ۲. مبنی بر عملکردهای جدیدی باشد، متفاوت با آنچه امروز رفتار می‌کند.
- ک. عملکردهای جدید نمی‌تواند تکرار عملکردهای سنتی و پیشین جامعه باشد، زیرا:
 ۱. شرایط اجتماعی تغییر کرده و عملکردهای سنتی رضایت‌مندی ایجاد نمی‌کنند.
 ۲. نیازهای جدیدی شکل گرفته که عملکردهای جدید می‌طلبند.
 ۳. باور جامعه به اسلام ارتقاء یافته و عملکردهایی منطبق‌تر با اسلام می‌طلبند از آنچه در سده‌های پیش عمل می‌کرد.
 ۴. ابزارها رشد یافته و با سرعت بیشتری می‌توان در مسیر اسلام گام برداشت.
- ل. برای خلق عملکردهای جدید باید؛
 ۱. نیازهای انسان را به درستی فهرست کرد و اولویت‌بندی نمود.
 ۲. عملکردهای فعلی را شناخت و به نیازها منتسب کرد.
 ۳. آسیب‌های هر عملکرد را یافت و به دنبال عملکردی بدون آسیب گشت.
- م. اگر اولویت نیازها ملاحظه نشود، نمی‌تواند انسان را به اهداف مورد انتظار برساند.
- ن. اولویت نیازها به عملکردها سرایت نموده، پاره‌ای عملکردها را مهم‌تر از سایر آنها می‌نماید.
- س. در تولید «برنامه تغییر سبک زندگی» ابتدا عملکردهای دارای اولویت باید محور قرار گیرند.